

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشکده الهیات

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی

عنوان

بررسی فقهی و حقوقی کنترل موالید

استاد راهنما

دکتر عباس کلانتری

استاد مشاور

دکتر اردوان ارژنگ

پژوهش و نگارش

فاطمه حسین زاده مزرعه شاهی

اسفندماه ۱۳۹۷

ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آنان که مهر آسمانی‌شان آرام بخش آلام زمینی ام است...

به استوارترین تکیه‌گاهم، دستان پر مهر پدرم

به سبزترین نگاه زندگی ام، چشمان پر عشق مادرم

که هرچه آموختم در کتب عشق شما آموختم و هرچه بگوختم قطره‌ای از دریای بی‌کران مهربانی‌تان را سپاس توانم بگویم.

امروز هستی ام به امید شماست و فردا کلید باغ بهشت رضای شما

ره‌آوردی گران‌سنگ‌تر از این ارزان‌نداشتم تا به خاک پایتان شاکر کنم، باشد که حاصل تلاشم نسیم‌گونه غبار محنتی‌تان را

بزداید.

بوسه بر دستان پرمهرتان

سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که هستی‌مان بخشید و به طریق علم و دانش رهنمونان شد و به هم نشینی رهروان علم و دانش
مفتخرمان نمود و خوشه‌چینی از علم و معرفت را روزی‌مان ساخت.

با سپاس از تمام اساتیدی که توفیق کسب علم در محضر ارزشمندشان را داشتم، کمال تشکر را دارم از مساعدت‌ها و راهنمایی‌های
دکتر عباس کلاتری به عنوان استاد راهنما و همچنین تقدیر شایسته از دکتر اردوان ارژنگ که از یاری ایشان بهره بردم.
سپاس بیکران بر مهدی، همراهی و همگامی پدر مهربانم، مادر فداکارم و همسر عزیزم...

چکیده

کنترل موالید نوعی سیاست جمعیتی است که برای تنظیم باروری در جامعه به کار گرفته میشود و هدف اصلی آن تعدیل جمعیت با توجه به امکانات و شرایط جوامع است. این سیاست به سفارشهای دین اسلام مغایرت دارد اگرچه موافقان این سیاست تلاش دارند که با توجیه برخی ادله فقهی این سیاست را مورد تأیید شارع عنوان کنند. هدف و ضرورت بحث درباره ی این سیاست ارائه پشتوانه محکمی برای تصمیم گیری درزمین ی لغو یا اعمال سیاست کنترل موالید است چراکه این مسئله تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور را تحت تأثیر قرار میدهد. همچنین اجرای نادرست سیاست کنترل موالید در کشورهای اسلامی به خصوص ایران از بین رفتن یکپارچگی مذهبی، کاهش جمعیت و بحران های اقتصادی و اجتماعی زیادی را به دنبال دارد و از طرف دیگر شرایط و امکانات اقتصادی و فرهنگی کشور باید موردتوجه و ملاحظه جدی قرار بگیرد چراکه به گفته متخصصان ایران ظرفیت تأمین چند برابر جمعیت کنونی خود را دارد. در این پژوهش ما در تلاشیم که به تحلیل و بررسی دلایل فقهی مخالفان و موافقان سیاست کنترل جمعیت بپردازیم علاوه بر این در بررسی مبانی حقوقی کنترل جمعیت تأثیر و کارآمدی قوانین مرتبط با حوزه جمعیت را مورد پژوهش قرار می دهیم. افزایش جمعیت از مواردی است که با توجه به آیات و روایات متعدد مطلوبیت آن از نظر اسلام ثابت شده است اما با توجه به سایر و روایات و مخصصات فرزند آوری، تکثیر موالید امری مستحب است اما تربیت صحیح فرزندان و توجه به رشد کیفی جمعیت مهم و چه بسا واجب است. در تحلیل قوانین مرتبط با حوزه جمعیت و تنظیم خانواده باید گفت توزیع نامناسب جمعیت در سطح منطقه ای ریشه اصلی بروز بحران جمعیت در ایران است و قوانین ایران باید بدون ورود به حوزه های تخصصی و فنی جمعیت و اعمال سیاست های مستقیم، در راستای توزیع عادلانه منابع و امکانات، قوانین حل معضلات بیکاری و مسکن مشارکت مدنی را در زمینه افزایش جمعیت بالا ببرد. مسئله دخالت و مسئولیت حکومت اسلامی در اجرا و حکم کنترل جمعیت یکی دیگر از مسائلی است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است. حکومت اسلامی و دولت مکلف اند با توجه به اینکه افزایش جمعیت مصلحتی اهم و موکد است، حکم افزایش جمعیت را با تدوین و تصویب سیاستهای جمعیتی پیاده سازند

واژگان کلیدی: جمعیت، کنترل موالید، تنظیم خانواده، مسئولیت حکومت، مصلحت جامعه

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	۱۰
الف) بیان مسئله.....	۱۱
ب) پیشینه تحقیق.....	۱۲
ج) سوالات تحقیق.....	۱۴
د) فرضیات تحقیق.....	۱۴
ه) اهداف و ضرورت های تحقیق.....	۱۵
و) روش تحقیق.....	۱۵
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱۶
۱-۱ مفاهیم.....	۱۷
۱-۱-۱ جمعیت.....	۱۷
۱-۱-۲ سیاست جمعیتی.....	۱۸
۱-۱-۳ کنترل موالید.....	۱۸
۱-۱-۴ تنظیم خانواده.....	۱۹
۱-۱-۵ حکم حکومتی.....	۲۰
۱-۲ پیشینه بحث کنترل موالید.....	۲۱
۱-۲-۱ پیشینه کنترل موالید در جهان.....	۲۲
۱-۲-۲ کنترل موالید در ایران.....	۲۳
فصل دوم: مبانی فقهی افزایش جمعیت.....	۲۵
۲-۱ کتاب.....	۲۶
۲-۱-۱ آیاتی که کثرت اموال و اولاد را نشانه یاری خداوند و مایه مباهات می داند.....	۲۶
۲-۱-۲ آیاتی که کشتن فرزندان و قطع بقای نسل را منع می کند.....	۲۷
۲-۱-۳ آیاتی که از آن ازدیاد نسل به عنوان هدف اصلی ازدواج برداشت می شود.....	۲۹

۳۰	۴-۱-۲ آیاتی که آیاتی که از نامحدود بودن روزی خبر میدهد.....
۳۱	۲-۲ سنت.....
۳۲	۱-۲-۲ روایاتی که به طور مستقیم بر تکثیر نسل و مذمت تحدید نسل دلالت دارد.....
۳۵	۳-۲ قواعد فقهی.....
۳۵	۱-۳-۲ قاعده لاضرر.....
۳۷	۲-۳-۲ قاعده نفی سبیل.....
۳۸	۳-۳-۲ قاعده المیسور لایسقط بالمعسور.....
۳۹	۴-۳-۲ قاعده نفی عسر و حرج.....
۳۹	۵-۳-۲ قاعده حرمت اختلال نظام.....
۴۰	۴-۲ قواعد عقلی.....
۴۱	۱-۴-۲ قاعده عقلی اهم و مهم.....
۴۱	۲-۴-۲ قاعده ترجیح بلامرجح.....
۴۳	فصل سوم: مبانی فقهی و حقوقی کنترل موالید.....
۴۴	۱-۳ مبانی فقهی کاهش جمعیت.....
۴۴	۱-۱-۳ کتاب.....
۵۱	۲-۱-۳ سنت.....
۵۴	۳-۱-۳ قواعد فقهی.....
۵۴	۱-۳-۳-۱ قاعده اصاله الاباحه.....
۵۴	۲-۳-۱-۳ قاعده نفی عسر و حرج.....
۵۶	۳-۱-۳-۳ قاعده لاضرر.....
۵۸	۴-۱-۳ موارد تقیید و تخصیص فرزند آوری در فقه اسلامی.....
۵۹	۵-۱-۳ عدم وجوب باروری.....
۶۲	۲-۳ مبانی حقوقی کنترل موالید.....
۶۲	۱-۲-۳ رویکرد های حقوقی دولت ها در زمینه تنظیم جمعیت.....

۳-۲-۱-۱	رویکرد دستور و کنترل.....	۶۳
۳-۲-۱-۲	رویکرد کنترل نکردن.....	۶۴
۳-۲-۱-۳	رویکرد تنظیم و تعدیل.....	۶۴
۳-۲-۲	قوانین مرتبط با تنظیم نرخ رشد جمعیت در جهت کاهش جمعیت.....	۶۵
۳-۲-۲-۱	قانون برنامه‌ی اول توسعه، مصوب ۱۳۶۸.....	۶۶
۳-۲-۲-۲	قانون تنظیم خانواده و جمعیت، مصوب ۱۳۷۲.....	۶۶
۳-۲-۲-۳	کنوانسیون حقوق کودک.....	۶۷
۳-۲-۲-۴	قانون برنامه‌ی دوم توسعه.....	۶۷
۳-۲-۲-۵	قوانین برنامه‌ی سوم، چهارم و پنجم توسعه‌ی اقتصادی.....	۶۸
۳-۲-۲-۶	قانون اصلاح رویکرد تنظیم خانواده و جمعیت.....	۶۸
۳-۲-۲-۷	سیاست‌های کلی جمعیت، مصوب ۱۳۹۳/۲/۳۰.....	۶۹
۳-۲-۲-۸	قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱.....	۶۹
۳-۲-۳	مقررات اجرایی مرتبط با تنظیم جمعیت	۶۹
۳-۲-۳-۱	مصوبه درباره‌ی اعمال سیاست محدود کردن مولید.....	۶۹
۳-۲-۳-۲	تکرار ماده‌ی ۱ قانون تنظیم خانواده در مصوبات هیئت دولت.....	۷۰
۳-۲-۳-۳	مصوبه‌ی هیئت‌وزیران در خصوص راهکارهای اجرایی حوزه‌های بخشی قانون برنامه‌ی سوم توسعه، مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۲۱.....	۷۰
۳-۲-۴	قوانین و مقررات تسهیل‌کننده‌ی افزایش جمعیت.....	۷۱
۳-۲-۴-۱	اصولی از قانون اساسی.....	۷۱
۳-۲-۴-۲	از سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی پنجم.....	۷۲
۳-۲-۴-۳	قانون مدیریت خدمات کشوری.....	۷۲
۳-۲-۴-۴	حمایت از کودکان.....	۷۲
۳-۲-۴-۵	تأمین اجتماعی.....	۷۲
۳-۲-۴-۶	حقوق دوران بارداری.....	۷۲

۷۳	۷-۴-۳ تسهیل ازدواج
۷۵	فصل چهارم: جایگاه حکومت در کنترل موالید
۷۶	۴-۱ تزامم مصالح و تحدید نسل
۷۶	۴-۱-۱ قاعده مصلحت در فقه اسلامی
۷۷	۴-۱-۲ تزامم مصالح و تغییر احکام
۷۹	۴-۲ مبانی مسئولیت حکومت در مسئله جمعیت
۷۹	۴-۲-۱ نسبت حکومت با حوزه ی شخصی و حریم خصوصی
۸۱	۴-۲-۲ نسبت کنترل موالید با مسئولیتها و وظایف حکومت اسلامی
۸۳	۴-۲-۲-۱ دایره ورود حکومت اسلامی بنابر مصلحت
۸۳	۴-۲-۲-۲ مسئولیت حکومت از باب امور حسبه
۸۴	۴-۲-۳ اختیارات حکومت اسلامی
۸۵	۴-۲-۴ نظریه منطقه الفراغ و دایره ورود حکومت اسلامی
۸۷	۴-۳ نقش حاکم اسلامی در کنترل جمعیت
۸۹	۴-۴ تأثیر زمان و مکان در حکم شرعی کنترل جمعیت
۹۳	یافته های پژوهش
۹۵	پیشنهادهای
۹۶	فهرست منابع و مآخذ
۱۰۱	چکیده انگلیسی

مقدمه

موضوع جمعیت و سیاست‌های جمعیتی یک متغیر مهم و مؤثر در مسائل سیاسی و اقتصادی است. جمعیت هر کشور یکی از مهم‌ترین منابع قدرت ملی آن محسوب می‌شود چراکه عامل جمعیت همیشه و در همه جا حضور و تأثیر داشته و تمامی شئون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به آن وابسته است؛ بنابراین تغییر جمعیت اهمیت زیادی برای آینده کشور دارد و می‌تواند سرنوشت و آینده جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. از آنجاکه فقه اسلامی تمام جنبه‌های زندگی انسان را در برمی‌گیرد؛ جمعیت و تنظیم خانواده نیز یکی از مسائل طرح‌شده در فقه است. آن‌طور که به نظر می‌رسد اصل اولیه در این مسئله مطلوبیت ذاتی افزایش مولید است همان‌گونه که در باب نکاح به آن پرداخته شده است؛ اما در اعمال سیاست‌های جمعیتی در جوامع اسلامی بیشتر مصالح اجتماعی جامعه مسلمین موردتوجه واقع شده است. سیاست کنترل مولید و نظریه کاهش جمعیت مجموعه برنامه‌هایی را شامل می‌شود که از سوی کارشناسان غربی بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد و نسخه آن برای ایران و سایر کشورهای اسلامی کاهش جمعیت بود. بحران جمعیتی ناشی از اعمال سیاست کنترل مولید و تحدید نسل حاصل تک جانبه نگرستن به این مسئله مهم است. آنچه اهمیت دارد تشخیص مصلحت و مرجع تشخیص آن است و در اعمال سیاست‌های کنترل مولید مصالح جامعه به‌طور گسترده و همه‌جانبه باید موردتوجه قرار گیرد چراکه اسلام دینی همه‌جانبه نگر است و جامعه اسلامی باید سیاست‌های خود را همسو با اندیشه‌ها و احکام دین مبین اسلام اتخاذ نماید. در این پژوهش تلاش داشته‌ایم ضمن تبیین زمینه‌ها و دلایل فقهی فرزندآوری به بررسی دلایل فقهی و حقوقی سیاست کنترل مولید پرداخته و این مسئله را از دیدگاه فقه حکومتی و مبانی حقوق عمومی نیز مورد ارزیابی قرار دهیم.

الف) بیان مسئله

یکی از بنیان‌های اصلی هر جامعه‌ای، جمعیت آن جامعه است؛ زیرا جمعیت یک جامعه عامل رشد، پویایی و بالندگی آن جامعه هست. سیاست کنترل مولید مجموعه اهدافی است که با افزایش یا کاهش جمعیت ارتباط دارد و هدف آن مدیریت رشد طبیعی جمعیت از طریق تنظیم خانواده است. تأکید بر کثرت کمی جمعیت ازجمله سفارش‌های دین اسلام بوده است همین‌طور که در روایات فراوان مانند حدیث پیامبر (ص) که می‌فرمایند: «تزوّجوا فانّی مکّثر بکم الامم یوم القیامه»^۱ «ازدواج کنید، زیرا که من در روز قیامت به کثرت امتم افتخار می‌کنم.» مشهود است، در کنار این روایات توجه به مسائل اقتصادی، تأمین مخارج زندگی، تربیت فرزندان و توجه به کثرت کیفی جمعیت نیز از اهمیت برخوردار است. کنترل مولید دو قسم دارد: کنترل فردی و کنترل جمعی. همان‌طور که از ادله‌ی جواز عزل برمی‌آید در فقه شیعه دلیلی بر حرمت تحدید نسل فردی، به معنای منع حمل در برهه‌ای از زمان و با توجه به شرایط، وجود ندارد. اما در مورد کنترل مولید جمعی به معنای اجرای سیاست کنترل جمعیت مسئله جای تأمل دارد و ضرورت و مصلحت جامعه باید در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد تشخیص مصلحت جامعه بر عهده حکومت اسلامی است و در صورتی که قوانین حاکم بر اساس موازین اسلامی نباشد با اصل چهارم قانون اساسی مغایرت خواهد داشت. دخالت در اجرا یا عدم اجرای سیاست‌های کنترل مولید از نگاه فقه حکومتی و مبانی حقوق عمومی قابل ارزیابی است.

ب) پیشینه تحقیق

اگرچه مبانی اصلی فقهی و روایی در مسئله فرزند آوری و افزایش جمعیت را می‌توان از کتب فقهی متقدم برداشت نمود اما مسئله کنترل و مدیریت مولید به نحوی از مسائل مستحدثه محسوب می‌شود. حوزه کنترل جمعیت در گذر زمان شاهد نظرات ضدونقیضی بوده است و در نتیجه تألیفات هر دوره نیز متکی بر شرایط سیاسی اجتماعی همان دوره است. در دوره پهلوی اول و دوم سیاست کنترل جمعیت با مخالفت گسترده علما روبه‌رو شد و مستقیماً بدون ارائه تحلیل و استدلال خاصی از جانب فقها رد شد. در دهه اول و دوم پس از انقلاب، رشد سریع جمعیت و مشکلات ناشی از آن منجر به احیای سیاست تحدید مولید شد. در این دوره بعضاً مقالاتی تألیف شد که صرفاً نگاهی خرد و محدود به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی بر این مسئله داشت؛ اما عدم بازنگری و ارزیابی کامل سیاست تحدید مولید موجب شد تا جمعیت ایران در وضعیت خطرناکی چون رشد منفی جمعیت و کاهش نیروی کار و خطر از بین رفتن یکپارچگی مذهبی قرار بگیرد و این بار کارشناسان و محققان و فقها را بر آن داشت تا تألیفاتی با تحلیل دقیق در مورد این مسئله، صورت دهند.

کتاب:

«کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام» نادری، فرج‌الله، دوم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۵.

«اسلام و ساماندهی جمعیت» رهبر، حسن، اول، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.

^۱ قمی، صدوق، ابن بابویه، معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ه.ق، ص ۲۹۱.

«اسلام و تنظیم خانواده» ایازی، محمدعلی، اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.

«مبانی فقهی تنظیم خانواده» خمینی، سید حسن، اول، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

کتاب‌های یادشده از مهم‌ترین تألیفات فقهی از دهه هفتاد تا نود هستند و با رویکرد فقهی و شرایط همان دوره نوشته شده‌اند که به‌طور دقیق به بررسی نظر اسلام و فقه درباره‌ی مبحث افزایش جمعیت، تنظیم خانواده و بررسی آرای مخالفان و موافقان کنترل موالید پرداخته‌اند.

«کنترل جمعیت از دیدگاه فقه امامیه و فقه حنفی» جاوید، قنبر، نشر المصطفی (ص)، قم، ۱۳۹۴.

این کتاب به بررسی کنترل جمعیت در فقه مقارن و به‌طور خاص فقه حنفی می‌پردازد و به‌طور کامل آرای فقهای مخالف و موافق شیعی و حنفی را با ذکر دلیل بیان می‌دارد.

«رساله نکاحیه (کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین)» حسینی تهرانی، سید محمدحسین، اول، موسسه تنظیم و نشر علوم و معارف اسلام، مشهد، ۱۴۲۵ ه.ق.

این کتاب درواقع تحقیقی خطابه آمیز درباره خطر اعمال سیاست کنترل جمعیت، عوامل و منشأ ایجاد تفکر کاهش جمعیت است و در غالب مستندات و مدارکی سیاست کنترل جمعیت و اهداف آن را زیر سؤال می‌برد.
مقاله:

«مطلوبیت افزایش جمعیت از نگاه فقهی»، اسلامی، رضا، فصلنامه فقه، شماره ۷۸، دوره ۲۰، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳-۱۳۴.

این مقاله به بررسی مبانی و دلایل مطلوبیت افزایش جمعیت به‌طور خاص پرداخته است که شامل آیات و روایات می‌شود. همچنین به‌طور خلاصه گریزی به مسئله مصلحت و تزامم مصالح در بحث افزایش جمعیت زده است.

«فرهنگ کنترل موالید در نگاه فقهی و اجتماعی»، عظیم زاده اردبیلی، فائزه، خدایی، انسیه، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره ۷۹، پاییز و زمستان، ۱۳۹۱، ص ۱-۲۴.

این مقاله نقدی بر سیاست کنترل موالید از نگاه فقهی و سایر ابعاد اجتماعی است که به اهمیت توالد و تکثیر نسل در اسلام و آرای فقهای معاصر در مسئله کنترل جمعیت و روش‌های آن نیز پرداخته است.

«تحدید موالید، تزامم مصالح و مبانی فقهی دخالت حکومت اسلامی» - رهایی، سعید، سنجابی، نسرین، رضایی، مجید، مجله پژوهش‌های فقهی، شماره ۴، دوره ۱۲، ۱۳۹۵، ص ۷۴۳-۷۷۴.

این مقاله به‌طور خاص به ابعاد مسئولیت و دخالت حکومت اسلامی در اجرای حکم کنترل موالید با تکیه بر مبانی فقهی و آموزه‌های دینی می‌پردازد.

«آسیب‌شناسی سیاست کنترل موالید و قانون تنظیم خانواده»، عظیم زاده اردبیلی، فائزه، جلالی، زهرا، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره ۶۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۵-۱۵۱.

این مقاله بایان اهداف استعماری سیاست کنترل موالید به آسیب‌شناسی اخلاقی و اجتماعی پرداخته است و پیش‌زمینه اصلی نویسندگان آموزه‌های فقهی و تحلیل آرای فقه‌های معاصر است.

پایان‌نامه:

«بررسی فقهی و حقوقی کاهش جمعیت»، قاسمی گودرزی، احمد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران، ۱۳۹۵.

این پایان‌نامه به بررسی نقاط ضعف و قوت کاهش و افزایش جمعیت در جامعه اسلامی می‌پردازد و احکام فقهی در زمینه تنظیم خانواده و مواردی از قوانین مرتبط با کاهش جمعیت را بررسی نموده است.

«بررسی آسیب‌های ناشی از کنترل جمعیت و پیشگیری از بارداری از نظر فقه و حقوق اسلامی»، عسکری، زهرا، دانشکده اصول‌الدین، ۱۳۹۵.

«بررسی مسئله تنظیم خانواده و پیامدهای آن از دیدگاه فقه امامیه و حقوق اسلامی»، فکوری، اسما، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۲.

«کنترل جمعیت و تنظیم خانواده از دیدگاه اسلام»، ناصرالدین، محمدباقر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مدرسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵-۱۳۸۴.

باوجود این تألیفات این حوزه همچنان جای نقد و بررسی دارد و لازم است به‌طور مدوّن آراء فقهی و حقوقی و تمام جوانب اقتصادی و اجتماعی آن سنجیده شود. این پژوهش درصدد است که تمام جنبه‌های فقهی که هم فقه خانواده و هم فقه سیاسی را در برمی‌گیرد و ابتدا باید مواضع و دلایل مخالفان و موافقان کنترل جمعیت را مورد بررسی قرار داده و سپس سیاست‌گذاری در بحث کنترل موالید را که در قوانین و فقه حکومتی مطرح شده است به‌طور مدوّن بررسی نماید همچنین با تصویب قوانین جدید مرتبط با حوزه جمعیت نیاز است تا این قوانین مورد بررسی و میزان موفقیت آن‌ها بررسی شود.

ج- سؤالات تحقیق

- ۱- کنترل موالید بر چه مبانی فقهی و حقوقی استوار است؟
- ۲- مبانی فقهی در مسئله مطلوبیت افزایش جمعیت چیست؟
- ۳- مبانی فقهی و حقوقی در مسئله کنترل موالید چیست؟
- ۴- مسئولیت حکومت اسلامی در اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت از منظر فقه اسلامی و حقوق عمومی چیست؟

د- فرضیات تحقیق

- ۱- تأکید اولیه منابع فقهی برافزایش جمعیت است. ولی اگر به دلیل قطعی ثابت شود که کثرت نسل مخالف مصالح جامعه است حکم افزایش موالید مرجوح واقع می‌شود و اگر تحدید نسل بر پایه مصالح جامعه باشد

دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. تشخیص مصالح جامعه با حاکم و رهبر جامعه است و حکومت در خصوص سیاست کنترل موالید مسئولیت و اختیاراتی دارد.

۲- آیات و روایات فراوانی تأکید اسلام بر مسئله کثرت نسل را ثابت می‌کند. علاوه بر این احکام اسلام بر پایه رعایت مصالح فردی و اجتماعی وضع شده‌اند و قواعد فقهی و عقلی نیز این مسئله را تأیید می‌کند. بر اساس این دلایل کثرت جمعیت مسلمانان مطلوب شارع و راجح است.

۳- آیات، روایات و سایر دلایلی که در جواز کنترل جمعیت به آن استناد شده است اغلب استدلال ناقصی دارد و قابل‌پذیرش نیست. در بررسی مبانی حقوقی نیز سیاست‌گذاری در هر دوره با توجه به شرایط جامعه متفاوت است.

۴- تکثیر نسل فی‌نفسه راجح است، ولی ممکن است در بعضی از حالات به‌عنوان حکم ثانوی مرجوح باشد و بنا بر ضرورت مالک اهم که تحدید نسل است مقدم می‌شود. مرجع تشخیص مصلحت بنا بر آنچه در قواعد فقهی پذیرفته شده است ولی فقیه است و این مسئله جزو احکام حکومتی است همان‌طور که در حوزه حقوق عمومی سیاست‌گذاری‌های کلان کشور از اختیارات و وظایف حاکم است و شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه و مصالح آن باید موردتوجه قرار بگیرد.

ه- اهداف و ضرورت‌های تحقیق

هدف از طرح مباحث فقهی پیرامون مسئله کنترل موالید و همچنین طرح مبحث حقوقی جایگاه حکومت در سیاست‌گذاری جمعیتی، ارائه پشتوانه محکمی برای تصمیم‌گیری در زمینه ی لغو یا اعمال سیاست کنترل موالید است چراکه این مسئله تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نگاه خرد و یک‌جانبه به مسئله تحدید نسل منصفانه نیست. همچنین اجرای نادرست سیاست کنترل موالید در کشورهای اسلامی به‌خصوص ایران از بین رفتن یکپارچگی مذهبی، کاهش جمعیت و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی را به دنبال دارد و از طرف دیگر شرایط و امکانات اقتصادی و فرهنگی کشور باید موردتوجه و ملاحظه جدی قرار بگیرد.

فزونی جمعیت می‌تواند رابطه نزدیک و عمیقی با پیشرفت و توسعه علم و اقتصاد و سیاست داشته باشد؛ زیرا رشد کیفی جمعیت می‌تواند زمینه‌ساز رشد نوآوری در جامعه گردد که موجب عزت و پیشرفت جامعه اسلامی شوند و از طرف دیگر جمعیت بیشتر یعنی نیروی کار بیشتر و این به رشد اقتصادی جامعه کمک خواهد کرد. تحولات اخیر نشان می‌دهد که ایران در مسیر پیشرفت قرار دارد و با توجه به روند رو به رشد کشور در زمینه‌های علمی، اقتصادی، نظامی و سیاسی، ایران نیازمند افزایش جمعیت از جهت کمی و کیفی است.

و- روش تحقیق

روش تحقیق به صورت تحلیلی، توصیفی بوده و مبنا و منشأ استدلال و استنباط در این پژوهش منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای رایانه‌ای است. در مواردی نیز به آرا و فتاوای فقهای معاصر و کارشناسان جمعیت‌شناسی رجوع شده است.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱ مفاهیم

۱-۱-۱ جمعیت: جمعیت واژه‌ای عربی است از ماده (جمع)، به معنی گردآوردن اجزای پراکنده است. ^۲ برای توصیف جمعیت انسانی می‌توان گفت جمعیت مجموعه از افراد هستند که در منطقه‌ای معین به‌طور مستمر و معمولاً به شکل مجموعه‌ای از خانوارها زندگی می‌کنند و پایگاه سیاسی، شرایط ملی و قومی واحدی دارند. ^۳ در اصطلاح جمعیت‌شناسی به کلیه‌ی کسانی که به‌طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، «جمعیت» گفته می‌شود. ^۴

در یک دسته‌بندی جمعیت بر اساس نرخ رشد به چند دسته تقسیم می‌شود:

الف - جمعیت طبیعی و ثابت؛ جمعیتی که در آن میزان تولد و مرگ‌ومیر در حد طبیعی یعنی حداکثر خود قرار داد. چنانچه در یک جمعیت بسته که به‌دوراز جریان‌های مهاجرتی است. میزان‌های مولید و مرگ‌ومیر برای یک مدت‌زمان طولانی ثابت باشد، نرخ رشد سالیانه جمعیت به‌سوی مقدار ثابتی میل می‌کند. این نوع از جمعیت‌های انسانی را جمعیت ثابت می‌گویند که دارای ویژگی‌های زیر است:

الف (شمار مولید مرگ‌ومیر به میزان ثابت تغییر می‌کند یعنی درصد ثابتی دارد.

ب) شمار کل جمعیت هرسال به میزان ثابتی تغییر می‌یابد.

ج (ساختار سن جمعیتی در طول زمان ثابت است. ^۵

ب - جمعیت متوقف؛ چنان که در یک جمعیت ثابت، نرخ رشد طبیعی به صفر برسد، چنین جمعیتی را جمعیت متوقف می‌گویند.

و آن جمعیتی است که ویژگی‌های زیر را دارد:

الف) میزان افزایش طبیعی جمعیت برابر صفر است، یعنی شمار افراد جمعیت در طول زمان ثابت است.

ب) شمار مولید و متوفیات سالیانه ثابت است.

ج) شمار افراد هر گروه سنی و در نتیجه ساختمان جمعیت ثابت است.

د (میران مرگ‌ومیر برابر میران مولید است. ^۶

۲ ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴.ق، ج ۱، ص ۴۷۹.

۳ تقوی، نعمت الله، جمعیت و تنظیم خانواده، هشتم، نشر دانیال، تبریز، ۱۳۸۰، ص ۳.

۴ کاظمی پور، شهلا، مبانی جمعیت شناسی، دوم، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۳.

۵ امانی، مهدی، و دیگران، لغت نامه جمعیت شناسی، اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۴، ص ۶۷؛ امانی، مهدی، نظری به سیاست های جمعیتی در ایران، اول، انتشارات پیوند، تهران، ۱۳۵۵، ص ۹۴.

۶ فرخ، امین زاده، جمعیت شناسی، اول، انتشارات ایوریحان، تهران، ۱۳۴۹، ص ۱۴۷.

ب- **جمعیت متعادل یا متوازن؛** جمعیتی که در لحظه معینی از زمان دارای حجم ثابت و میزان‌های موالید و میزان‌های موالید و مرگ‌ومیر، درون کوچی و برون کوچی برابر باشد. البته این نوع جمعیت را نباید با جمعیت‌های ثابت اشتباه گرفت چراکه در جمعیت متعادل این وضعیت موقعیتی است.^۷

ت- **جمعیت متناسب یا مطلوب؛** برای تعریف این گونه جمعیت‌ها ملاک‌های مختلف ارائه شده است، ولی به‌طور کلی می‌توان گفت جمعیت متناسب جمعیتی است که در آن یک تعادل میان افزایش جمعیت و افزایش امکانات اقتصادی در جامعه وجود دارد.

۲-۱-۱ **سیاست جمعیتی:** سیاست جمعیتی شامل تفکرات و تصمیمات و برنامه‌ها درباره مسائل جمعیتی است که دولت، در جهت رسیدن به هدف خاص که رفاه حال را امکان‌پذیر کند، می‌گیرد، می‌شود. این نوع سیاست را سیاست جمعیتی می‌نامند.^۸ سیاست جمعیتی فقط کنترل جمعیت را شامل نمی‌شود بلکه مفهوم وسیع‌تری دارد و کلیه ابعاد جمعیت نظیر آمار، مهاجرت، باروری، مرگ‌ومیر و... را در برمی‌گیرد.

۳-۱-۱ **کنترل موالید:** موالید جمع ولد به فرزند خواه فرزند انسان باشد و یا غیر آن بر مذكر و مؤنث، تشنیه و جمع اطلاق می‌شود.^۹ همچنین به معنای فرزندان، گیاهان و حیوانات است و در اصطلاح به معنای تولید و تکثیر نسل است.^{۱۰}

اصطلاح کنترل موالید^۱ توسط مارگارت سانجر^۲ آمریکایی (۱۹۱۴ - ۱۹۱۵) ابداع شده است. وی که از پیش‌گامان و رهبران نهضت آزادی زنان در غرب بود و کنترل موالید را برای دستیابی به آزادی زنان ضروری می‌دانست، می‌توان گفت اصطلاح کنترل موالید از واژه‌های نوین و ابداعی غرب در قرن بیستم است که در تعریف آن چنین آمده است:

«کنترل موالید عبارت است از کنترل ارادی تعداد فرزندان و فاصله میان فرزندان یک خانواده که رشته‌ای گسترده از روش‌هایی را در برمی‌گیرد که برای تنظیم باروری انسانی به کار گرفته می‌شود. درواقع کنترل موالید، پاسخی است به افراد و گروه‌های موجود در جامعه تا روش‌های پیشنهادی را برای پیش‌گیری از حاملگی برای خود انتخاب کنند. البته اصطلاح مزبور به‌طور عمده به معنی کنترل باروری به کار گرفته می‌شود، اما

^۷ همان، ص ۱۴۷.

^۸ تقوی، نعمت الله، همان کتاب، ص ۷۷.

^۹ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، اول، ذوی القربی، قم، ۱۴۲۳ ه.ق، ص ۸۸۳.

^{۱۰} دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دهم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۴، جلد ۱، ذیل واژه.

۳ Birth control

۴Margret Sanger

دیگر شیوه‌های اختیاری مانند تأخیر در ازدواج یا پرهیز از ازدواج و عقیم‌سازی به‌وسیله جراحی و سقط را نیز شامل می‌گردد.^{۱۳}

توصیه به چنین شیوه‌هایی در تنظیم خانواده و باروری پیامدهایی نظیر تأخیر ازدواج، به‌کارگیری روش‌های پرآسیب جلوگیری از بارداری، عقیم‌سازی مرد یا زن با عمل جراحی و اقدام به سقط‌جنین و کورتاژ را در پی داشت به پیروی از این دیدگاه، دیگر متفکران غربی اصطلاحات دیگری نظیر «تنظیم خانواده»، «پدر و مادر شدن برنامه‌ریزی‌شده»، «پدر و مادر مسئولیت‌پذیر»، «پدر و مادر شدن از روی اختیار»، «کنترل بارداری» و «تنظیم بارداری» را ابداع کرده، به توضیح هر یک پرداخته‌اند؛ که درواقع این اصطلاحات همان کنترل موالید را تفسیر می‌کند اما هر یک از آن‌ها، در پایان راه، هدف خاصی را پیش گرفته‌اند.^{۱۴}

کنترل موالید ابتدا به سه صورت تقسیم می‌شود:

الف) تحدید یا کنترل فردی.

ب) تحدید یا کنترل نوعی یا جمعی در مدت و زمان کوتاه.

ج) کنترل یا تحدید نوعی به‌صورت بلندمدت به‌نحوی که منجر به قطع نسل و انقراض جمعیت شود.^{۱۵}

۴-۱-۱ تنظیم خانواده: تنظیم خانواده در اصطلاح جمعیت‌شناسی، علمی است آگاهانه و ارادی که هم در سطح خانواده و هم در سطح جامعه دارای هدف هست و هدف از آن در سطح خانواده توازن میان امکانات اقتصادی و تعداد اولاد است و در سطح جامعه به‌منظور ایجاد تعادل جمعیت و تولید انجام می‌گیرد.^{۱۶}

در اصطلاح علم جمعیت‌شناسی بین «کنترل جمعیت» و «تنظیم خانواده» تضادها و تفاوت‌هایی وجود دارد. امروزه مفاهیم «تحدید جمعیت» و «تنظیم خانواده» در ایران و سایر کشورهای جهان سوم با عنوان کلی «جمعیت و تنظیم خانواده» موردبحث واقع می‌شود و تلاشی برای جداسازی مفاهیم مزبور به عمل نمی‌آید. به نظر می‌رسد که دلایل و انگیزه‌های سازمانی، سیاسی، اقتصادی، روان‌شناسی، صنفی و دانشگاهی در این مورد مؤثر بوده‌اند.^{۱۷}

کنترل موالید و تنظیم خانواده از چند جهت متفاوت‌اند:

الف) کنترل جمعیت فقط در جوامعی قابل‌تصور است که دیدگاه انفجاری از جمعیت دارد؛ درحالی‌که تنظیم خانواده را در هر شرایطی برای جوامع مختلف می‌توان انجام داد.^{۱۸}

۱۳ طلعتی، محمدهادی، رشد جمعیت تنظیم خانواده و سقط جنین، دوم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۸، ص ۳۱ - ۳۲.

۱۴ همان، ص ۳۳.

۱۵ حسینی روحانی، سید صادق، المسائل المستحدثه، بی نا، بی تا، ص ۱۵۵.

۱۶ خمینی، سیدحسن، تنظیم خانواده یا تحدید نسل، فصل نامه متین، شماره ۱۵، ص ۵۰.

۱۷ تقوی، نعمت الله، همان کتاب، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.

۱۸ بربریان، علی اکبر، جمعیت و تنظیم خانواده، اول، نور دانش، تهران، ۱۳۸۰، ص ۸۷.

ب) کنترل جمعیت اغلب الزامی و غیرارادی است؛ تنظیم خانواده آگاهانه و ارادی و منطبق با تمام شرایط اقتصادی و اجتماعی است.^{۱۹}

پ) کنترل جمعیت، سیاست دولتی است؛ درحالی که تنظیم خانواده تصمیم‌گیری فردی است.^{۲۰}

ت) کنترل جمعیت صرفاً جنبه کمی دارد؛ اما تنظیم خانواده هم جنبه کمی و هم جنبه کیفی دارد.

ث) کنترل جمعیت مبحث جمعیت‌شناختی است؛ حال آنکه تنظیم خانواده مبحثی اجتماعی و اقتصادی است.

ج) در کنترل جمعیت ابزار اجرا جامعه و مجری حکومت است، ولی در تنظیم خانواده ابزار اجرا خانواده است.

چ) کنترل جمعیت امر عمومی و همگانی و تنظیم خانواده امر شخصی و خانوادگی است.

با توجه معنای واژه‌های «کنترل»، «تحدید» و «موالید» در لغت و اصطلاح جمعیت‌شناسی، کنترل جمعیت نوعی سیاست جمعیتی است که با در نظر گرفتن امکانات و شرایط امکانات جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه به کاهش جمعیت منجر می‌شود.

۵-۱-۱ حکم حکومتی: حکم حکومتی که به آن حکم ولایی یا سلطانی نیز گفته می‌شود. حکمی است که حاکم شرع جامع‌الشرایط در شرایط خاص و استثنایی به‌طور موقت و با استناد و اتکای به قواعد کلی فقه اعلام می‌کند. البته باید تمام جوانب و مصالح و مفاسد گوناگون توسط کارشناسان مربوطه سنجیده و ملاحظه شود و سپس حاکم شرع حکم کند؛ و در حقیقت می‌توان گفت حکم حکومتی، متقوم به حاکمیت اسلامی است نه شخص حاکم. توضیح این که در گستره قوانین شرع و رعایت موافقت با آن، ولی فقیه می‌تواند یک سلسله تصمیماتی بر اساس مصلحت وقت جامعه گرفته، طبق آن‌ها مقرراتی وضع نموده و اعمال کند. مقررات و احکام حکومتی لازم‌الاجرا و مانند احکام ثابت اولیه و ثانویه شریعت دارای اعتبار است. با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت و غیر قابل تغییر است ولی مقررات موضوعه قابل تغییر و در ثبات و بقاء، تابع مصلحتی است که آن‌ها را به وجود آورده است؛ و چون همواره زندگی جامعه انسانی در تحول و رو به تکامل است و شرایط زمان و مکان نیز متغیر است بنابراین این مقررات تدریجاً تبدیل و تغییر پیدا کرده و جای خود را به احکام بهتر می‌دهد؛ و باید دانست که اصل ولایت خود یک حکم ثابت و دائمی است و از مواد شریعت است و نمی‌توان آن را نسخ و تفسیر کرد.^{۲۲}

در تعریف احکام حکومتی این‌چنین نیز آمده است، که این احکام مقررات خاصی است که حاکم اسلامی برای اجرای بهتر احکام اولیه یا ثانوی وضع می‌کند از قبیل مقررات مربوط به گذرنامه، تشکیلات ارتش، رانندگی و مانند آن که همگی برای برقراری نظم جامعه وضع شده است و حفظ نظم جامعه به‌خودی خود واجب و از

^{۱۹} جهان فر، محمد، مبانی جمعیت‌شناسی، پنجم، انتشارات متون درسی طرح درسنامه، تهران، ۱۳۸۳ ص ۲۰۵.

^{۲۰} همان، ص ۲۰۷.

^{۲۱} منتظری، حسین علی، رساله استفتائات، اول، قم، بی تا، ج ۳، ص ۱۸۶.

^{۲۲} عمید، عباسعلی، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۲۶.